

بلاکلاس

پای صحبت‌های مرضیه زارعی، بلاگر معلم شیرازی

سرنخ‌های یک معلم خوب



صحبت می‌کنم. خیلی از معلم‌ها کارشان به حراست آموزش و پرورش کشید و تویبخت کتبی شدند و گاهی فشار روانی که تحمل می‌کردند، جبران ناپذیر بود و متوجه نمی‌شوم چرا معلم به خاطر ارتباط خوب و صمیمیتش با دانش‌آموز باید تویبخت شود و چرا باید روی بلاگر معلم‌ها آن قدر فشار روانی باشد؟ من همکاری داشتم که چون در فیلم اینستاگرامش دانش‌آموزش را بغل کرده، تویبخت شده است. وقتی هم دانش‌آموز هم والدینش راضی به پخش این محتوا از پیج معلم هستند، چه اشکالی دارد؟ اگر حجاب مشکل داشته باشد یا محتوا خلاف شأن باشد، قابل درک است ولی مطالبه ما این است که آموزش پرورش بدون منطق و بی‌قید و شرط با این امر مخالفت و برخورد نکند و خودش برای معلم‌هایی که با هویت معلمی‌شان در فضای مجازی فعالند چارچوب تعیین کند. اما وزارتخانه کالا با این مسئله مشکل دارد و می‌گوید شما مادامی که کارمند دولتی نیستید نباید بلاگر باشید و این صحبت در هیچ جای قانون قید نشده است.»

دانش‌آموز چه کودک و چه نوجوانش یا به بلوغ نرسیده و اعمال بزرگسال را زیر نظر دارد و تکرار می‌کند یا در سن بلوغ است تأثیرپذیر. از لحاظ روان‌شناسی احساسات در این بازه سنی در دانش‌آموز به شدت زیاد بوده و صمیمیت یک مرز باریک است که یک قدم اشتباه منجر به سقوط ورشته کردن پنبه‌های تربیتی می‌شود. درباره وابستگی و مرز صمیمیت از مرضیه زارعی پرسیدم: «طبق سابقه کاری که من چه با دانش‌آموز ابتدایی و چه دبیرستانی‌ها داشتم، می‌شود گفت درک بچه‌ها نسبت به این وابستگی بالا و منطقی است. من دانش‌آموزی داشتم که خانواده می‌گفتند چون خواهرش ازدواج کرده و تنها شده بود دلش می‌خواست پنجشنبه‌ها هم مدرسه بیاید. این شرایط باعث شده بود خودم هم از تمام شدن سال تحصیلی نگران باشم اما مادر حالا حاضر بچه‌ها با تابستان و پایان سال تحصیلی حال‌شان خوب است. درست است که زود وابسته می‌شوند اما زود هم این وابستگی تمام می‌شود. شرایط سنی، اقلیمی، یعنی روستایی و شهری بودن پوشش، حرف زدن، همه در نوع رفتار معلم با دانش‌آموز باید تأثیر داشته باشد. بعضی از کارها مثل دیدن بچه‌ها بعد از زمان مدرسه یا ورود به مسائل شخصی آنها حتماً آسیب‌زا است اما ارتباط من با بچه‌ها صرفاً در حد این است که از روی علاقه بغلم

می‌کنند.»

یکی از خاطرات همیشگی پدر و مادرها و تکیه کلام‌های کلیشه‌ای‌شان این است:

«ما مدرسه می‌رفتیم، شما هم مدرسه می‌روید.»

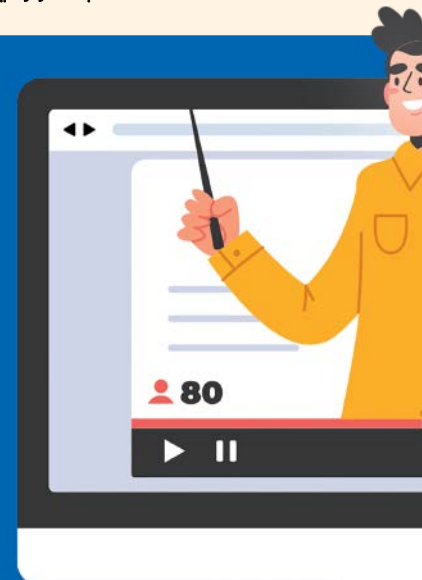
در دهه‌های گذشته چاشنی همیشگی تدریس، با شعار چوب معلم گله، تنبیه‌هایی شبیه شکنجه بود و پیش‌زمینه ذهنی که از معلم تا به یک دهه پیش شکل گرفته، کسی بود که در برخورد با هر قدم اشتباهی قرار است نقش ملامتگر را بازی کند که به هیچ عنوان درکی از شرایط سنی دانش‌آموزش ندارد. نزدیک به یک دهه است که مدارس رنگ معلمان نسل جدید با شیوه‌های تدریس نو را به خود دیده است. معلم‌هایی که به جای تخته‌های گچی پای تخته دیجیتال می‌روند و به جای طرح درس در برگه‌های A4، با گوشی، تصویر، فیلم و مشارکت از خود دانش‌آموز تدریس می‌کنند. معلمانی که فهم دقیق‌تری از نوجوان بومی دیجیتال، شخصیت و ذائقه‌اش دارند و برای بهتر شدن ارتباط خود با دانش‌آموز بیشتر با علائق او همراه می‌شوند. یکی از دلایل عمده‌ای که بلاگر معلم‌ها برای حضور پررنگ خود در فضای مجازی و به نمایش گذاشتن روش تدریس و تعامل‌شان با بچه‌ها می‌گویند، همین علت است. برای پرداخت بهتر به این مسئله هم با مرضیه زارعی یکی از معلم‌هایی که در فضای مجازی فعالیت می‌کند، مصاحبه کرده‌ایم و هم نظر معلم بلاگرهای دیگر را پرسیده‌ایم.

برای سؤال اول هدف از این ارتباط نزدیک با دانش‌آموزان را از او پرسیدم: «شخصیت افراد از حیث ایجاد صمیمیت با دانش‌آموز سن و سال نمی‌شناسد. زمانه تغییر کرده و بالاخره نمی‌شود با دانش‌آموز همان‌طور که در گذشته رفتار می‌شد، برخورد شود. دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها با آنچه ما هستیم متفاوتند. امر و نهی، برخورد تند و تحقیر برای‌شان قابل قبول نیست و دوا این تفاوت، رابطه دوستانه با آنهاست. مثلاً من امسال شاگردی داشتم که هر قدر اوایل سال او را نصیحت می‌کردم تا درس بخواند، حرف گوش نمی‌داد اما وقتی ارتباطم با او اصلاح و دوستانه شد، بیشتر به او توجه کردم و حتی رنگ‌های تفریح حواسم به او بود، حتی اشتیاقش برای تکالیف اختیاری و داوطلبانه هم بیشتر شد و می‌گفت: دوست دارم دوستم از من راضی باشد. یا حتی دانش‌آموزی بود که به قوانین حجاب در مدرسه توجهی نمی‌کرد و مدیر همیشه با او به چالش می‌خورد و خانواده هم دائم دعوایش می‌کردند حتی مدیر به او گفته بود من معلمت را هم جریمه می‌کنم اما به خاطر رفاقت با من رفتارش را در مدرسه تغییر داد.»

قوانین مدرسه و آموزش پرورش مشخص و سفت و سخت است و معمولاً عملکرد معلم‌ها زیر ذره‌بین و نظارت جدی قرار دارد. از زارعی پرسیدم برخورد مدیر و آموزش و پرورش با او و اساساً بحث بلاگر معلمی چطور است؟ «من به نمایندگی از همکارانم که در فضای مجازی با عنوان بلاگر معلم فعالیت می‌کنند، با شما

ای معلم‌ها در فضای مجازی دست به دست می‌چرخید و شده بود جزو بیشترین محتواهایی که ت می‌شد. دلخوری معلم‌ها از پخش صداهای‌شان که بعضی از آنها محتوای توهین‌آمیز هم صدای دانش‌آموزان از سوی دیگر، باعث شده بود نه تنها در بحث حضور فیزیکی مدارس ای از تعامل دانش‌آموز و معلم را ببینیم، دیده شدن در فضای مجازی و مشخصاً اینستاگرام حاضر، بلاگر معلمی است. جریانی که با معلم آملی بار دیگر داغ شد و حالا بعضی از معلمان با چند نفر از این معلمان صحبت کرده و هم از لحاظ روان‌شناسی و حقوقی بررسی کرده‌ایم

با تشکر از امیرعلی حبیبی و مریم مرادزاده



انسان چه می‌گویند؟

شامل بحث مرور زمان شود.»
د. برای
دادم و
رسیدم
ایهام آخری که داشتم درباره بحث حق قانونی وزارتخانه برای برخورد با معلم بود که در مصاحبه با زارعی، معلم بلاگر شیرازی ذهنم را درگیر کرد. مرادزاده در جواب می‌گوید: «فضای آموزشی تابع دستورالعمل‌های خودش است. در قانون مدنی محتوایی مبنی بر این‌که اگر معلم در مدرسه تخلفی کرد چطور باید با او برخورد شود یا اعلان‌ش و ویدئو از مدرسه آیا تخلف است یا نه، نیست. معلم باید مطابق آیین‌نامه و دستورالعمل‌های آموزش و پرورش عمل کند و اگر رفتاری مغایر با آن داشته باشد وزارتخانه می‌تواند با او برخورد کند. این را باید یادآوری کرد که مساله، صرفاً انتشار نیست. یعنی این اقدام جرم محسوب نمی‌شود و قانونی هم در این خصوص وجود ندارد. مساله محتوای آن ویدئو است. اگر در همان کلاس و مدرسه از سرود خواندن و فعالیت‌های دیگر محتوایی منتشر کند، مشکلی ندارد. وقتی محتوای سمت اصطلاحاً ابتدال می‌رود و معلم یکی از کارهای اصلی‌اش می‌شود تولید محتوا با رویکرد بلاگری، دیگر قضیه فرق می‌کند.»

